



افسردگی کودکان CDS

(فرم گزارش کودک)

تیشتر و لانگ

تحصیلات:

سن:

نام و نام خانوادگی:

منطقه:

نام مدرسه:

مقیاس افسردگی کودکان

کاملاً غلط	مطمئن نیستم	درست نمی‌دانم	کاملاً درست	
				۱ بیشتر وقت‌ها از خودم خوشم می‌آید.
				۲ همیشه با خوشحالی منتظر رسیدن روز بعد هستم.
				۳ احساس می‌کنم در زندگی رنج‌های فراوانی هست.
				۴ وقتی کسی نسبت به من خشمگین می‌شود خیلی ناراحت می‌شوم.
				۵ از بیشتر کارهایی که انجام می‌دهم احساس غرور می‌کنم.
				۶ وقتی خیلی خشمگین می‌شوم معمولاً به گریه می‌افتم.
				۷ بیشتر وقت‌ها مدرسه مرا بیچاره می‌کند.
				۸ همیشه در مدرسه دوست دارم کارهای زیادی انجام بدهم.
				۹ بیشتر وقت‌ها احساس می‌کنم که آدم به درد بخور بنا ارزشی نیستم.
				۱۰ بعضی وقت‌ها آرزو می‌کنم که بمیرم.
				۱۱ بیشتر وقت‌ها پدر یا مادرم باعث می‌شوند احساس کنم کارهایی که انجام می‌دهم بسیار خوبند.
				۱۲ بیشتر شب‌ها از خواب می‌پریم.
				۱۳ من خودم را از بیشتر بچه‌هایی که می‌شناسم خسته‌تر احساس می‌کنم.
				۱۴ بیشتر وقت‌ها دست و دلم به هیچ‌کاری نمی‌رود.
				۱۵ در خانواده ما همه با هم با خوبی و خوشی زندگی می‌کنند.
				۱۶ بیشتر وقت‌ها احساس می‌کنم کسی مرا تحویل نمی‌گیرد.
				۱۷ وقتی کسی نسبت به من عصبانی می‌شود من هم نسبت به او عصبانی می‌شوم.



کاملاً درست	کاملاً غلط	مطمئن نیستم	درست نمی دانم	کاملاً درست	
					۱۸ بیشتر وقتها احساس تنهایی می کنم.
					۱۹ بیشتر وقتها از خودم دلخور هستم.
					۲۰ بیشتر وقتها نمی توانم به دیگران بفهمانم که غم و ناراحتی من چقدر است.
					۲۱ بیشتر وقتها احساس می کنم مادر یا پدرم را از خود ناامید می کنم.
					۲۲ از کارهایی که انجام می دهم خوشم می آید.
					۲۳ بعضی وقتها باورم می شود که مادر یا پدرم با اعمال یا گفته هایشان می خواهند به من بفهمانند که در حق آنها خیلی بدی انجام داده ام.
					۲۴ بیشتر وقتها در مدرسه خوشم.
					۲۵ از طرز فکر و طرز رفتار خودم متنفرم.
					۲۶ بیشتر وقتها دوست ندارم صبحها از جایم بلند شوم.
					۲۷ بیشتر وقتها دلم می خواهد در مدرسه گریه کنم.
					۲۸ در مدرسه که هستم بیشتر وقتها احساس تنهایی و بی کسی می کنم.
					۲۹ احساس می کنم پدر و مادرم به وجود من خیلی افتخار می کنند.
					۳۰ بیشتر وقتها احساس دل مردگی می کنم (در درون خود احساس می کنم که مرده ام).
					۳۱ وقتی کسی به آدم زور بگوید احساس خشم کردن چیز کاملاً درستی است.
					۳۲ بیشتر وقتها احساس بدبختی می کنم یا بغض و گریه ام می گیرد و یا غمگین و ناراحتم
					۳۳ بعضی وقتها احساس می کنم زندگی ارزشی ندارد.
					۳۴ شبها خوب و راحت می خوابم و در طول شب هیچ بیدار نمی شوم.
					۳۵ بیشتر وقتها از خودم بدم می آید.
					۳۶ دوستان زیادی دارم.



کاملاً غلط	مطمئن نیستم	درست نمی‌دانم	کاملاً درست	
				۳۷ بعضی وقت‌ها می‌ترسم عملی از من سر بزنده که مادر یا پدرم را اذیت یا غمگین کند.
				۳۸ بیشتر وقت‌ها از وضعی که دارم خجالت می‌کشم.
				۳۹ بیشتر وقت‌ها احساس می‌کنم سزاوار تنبیه هستم.
				۴۰ بیشتر وقت‌ها احساس می‌کنم هیچ کس مرا درک نمی‌کند.
				۴۱ آدم خیلی شادی هستم.
				۴۲ بیشتر وقت‌ها تکالیف مدرسه مرا کلافه و عاجز می‌کند.
				۴۳ بیشتر وقت‌ها نگران سلامتی مادرم هستم.
				۴۴ اوقاتم را با انجام کارهای خیلی جالبی با پدرم می‌گذرانم.
				۴۵ هنگام دوری از خانه خیلی احساس خشنودی نمی‌کنم.
				۴۶ بعضی وقت‌ها از خودم خالم بهم می‌خورد چون مادر یا پدرم را آن‌چنان که باید دوست ندارم.
				۴۷ احساس می‌کنم مردم مرا دوست دارند گرچه من شایستگی آن را ندارم.
				۴۸ بیشتر وقت‌ها در مدرسه احساس خستگی می‌کنم.
				۴۹ هیچ‌کسی نمی‌داند که من چقدر غمگین و ناراحتم.
				۵۰ بعضی وقت‌ها خواب می‌بینم صدمه دیده یا کشته شده‌ام.
				۵۱ بعضی وقت‌ها نمی‌دانم چرا دلم می‌خواهد گریه کنم.
				۵۲ بعضی وقت‌ها به این فکر می‌افتم که نکند باطناً آدم خیلی بدی باشم.
				۵۳ وقتی در مدرسه با شکستی روبرو می‌شوم احساس می‌کنم آدم لایق و به درد خوری نیستم.
				۵۴ احساس می‌کنم زندگی برایم مایه بدبختی است.
				۵۵ بعضی وقت‌ها باورم می‌شود که کارهایی را انجام می‌دهم که ممکن است مادر یا پدرم را مریض کند.
				۵۶ بیشتر وقت‌ها احساس می‌کنم وجودم فایده‌ای برای هیچ‌کس ندارد.
				۵۷ خیلی‌ها به من توجه زیادی دارند.
				۵۸ بیشتر وقت‌ها احساس می‌کنم به اندازه‌ای که دلم می‌خواهد خوب نیستم.



کاملاً غلط	مطمئن نیستم	درست نمی‌دانم	کاملاً درست	
				۵۹ بیشتر وقت‌ها احساس می‌کنم ناراحتم چون فرصت انجام دادن کارهایی را که دوست دارم پیدا نمی‌کنم.
				۶۰ بیشتر وقت‌ها به نظرم می‌رسد صدمه دیده‌ام یا کشته شده‌ام.
				۶۱ بعضی وقت‌ها از خودم بدم می‌آید چون نمی‌توانم نسبت به مادر یا پدرم توجه یا علاقه‌ای نشان بدهم که آنها نیازمندش هستند.
				۶۲ بیشتر وقت‌ها احساس می‌کنم به جایی نخواهم رسید.
				۶۳ بعضی وقت‌ها احساس می‌کنم که در درون من دو نفر هستند که هر کدام مرا به سویی می‌کشند.
				۶۴ هنگام دوری از خانواده احساس تنهایی و بی‌هودگی می‌کنم.
				۶۵ احساس می‌کنم آدم زیبا و قشنگی هستم.
				۶۶ در بیشتر کارهایی که انجام می‌دهم موفق هستم.

نحوه اجرا: فردی

نمره‌دهی و تجزیه و تحلیل

در این تست ۴۸ ماده منفی و ۱۸ ماده مثبت که روی هم ۶۶ ماده می‌شوند، دو مجموع مواد جداگانه و مستقل را تشکیل می‌دهند که به شکل جداگانه نمره‌گذاری می‌شوند و دو نمره مثبت و منفی را بدست می‌دهند. نمره‌گذاری بر مبنای ۵ درجه‌ای انجام می‌گیرد. کاملاً غلط ۱، غلط ۲، نمی‌دانم ۳، درست ۴ و کاملاً درست ۵ می‌گیرد. جمع نمرات هر مقیاس فرعی و جمع کل نیز بدست می‌آید. تفاوت نمره کل با مجموع نمرات مقیاس‌های فرعی لذت (PE) و متفرقه لذت (MP) نمره کل افسردگی فرد را مشخص می‌کند. حداقل نمره ۶۶ و حداکثر نمره ۳۳۰ می‌باشد.



پرسشنامه افسردگی کودکان

فرم دیگران

تیش و لانگ

لطفاً با توجه به عبارات زیر نظر خود را درباره بیان کنید.

نام و نام خانوادگی شما: سن: تحصیلات:

نسبت شما با فرد مورد نظر:

کاملاً غلط	مطمئن نیستم	درست نمی دانم	کاملاً درست	
				۱ بیشتر وقتها از خودش خوشش می آید.
				۲ همیشه با خوشحالی منتظر رسیدن روز بعد می باشد.
				۳ احساس می کند که در زندگی رنجهای فراوانی است.
				۴ وقتی کسی نسبت به او خشمگین بشود خیلی ناراحت می شود.
				۵ از بیشتر کارهایی که انجام می دهد احساس غرور می کند.
				۶ وقتی خیلی خشمگین می شود به گریه می افتد.
				۷ بیشتر وقتها مدرسه او را بیچاره می کند.
				۸ همیشه در مدرسه دوست دارد کارهای زیادی انجام دهد.
				۹ بیشتر وقتها احساس می کند که آدم به درد بخور و با ارزشی نیست.
				۱۰ بعضی وقتها آرزو می کند که بمیرد.
				۱۱ بیشتر وقتها پدر یا مادرش باعث می شوند احساس کند کارهایی که انجام می دهد بسیار خوب است.
				۱۲ بیشتر شبها از خواب می پرد.
				۱۳ او خودش را از بیشتر بچههایی که می شناسد بدبخت تر احساس می کند.
				۱۴ بیشتر وقتها دست و دلش به هیچ کاری نمی رود.
				۱۵ در خانواده او همه با هم با خوبی و خوشی زندگی می کنند.
				۱۶ بیشتر وقتها احساس می کند کسی او را تحویل نمی گیرد.
				۱۷ وقتی کسی نسبت به او عصبانی می شود او هم نسبت به آن شخص عصبانی می شود.
				۱۸ بیشتر وقتها احساس تنهایی می کند.



کاملاً غلط	مطمئن نیستم	درست نمی‌دانم	کاملاً درست	
				۱۹ بیشتر وقت‌ها از خودش دلخور است.
				۲۰ بیشتر وقت‌ها می‌تواند به دیگران بفهماند که غم و ناراحتی او چقدر است.
				۲۱ بیشتر وقت‌ها احساس می‌کند مادر یا پدرش را از خود ناامید می‌کند.
				۲۲ از کارهایی که انجام می‌دهد خوشش می‌آید.
				۲۳ بعضی وقت‌ها باورش می‌شود که مادر یا پدرش با اعمال یا گفته‌هایشان می‌خواهند به او بفهمانند که در حق آنها خیلی بدی انجام داده است.
				۲۴ بیشتر وقت‌ها در مدرسه خوش است.
				۲۵ از طرز فکر و طرز رفتار خودش متنفر است.
				۲۶ بیشتر وقت‌ها دوست ندارد صبح‌ها از جایش بلند شود.
				۲۷ بیشتر وقت‌ها دلش می‌خواهد در مدرسه گریه کند.
				۲۸ در مدرسه که هست بیشتر وقت‌ها احساس تنهایی و بی‌کسی می‌کند.
				۲۹ احساس می‌کند پدر و مادرش به وجود او خیلی افتخار می‌کنند.
				۳۰ بیشتر وقت‌ها احساس دل‌مردگی می‌کند (در درونش احساس می‌کند که مرده است).
				۳۱ او معتقد است وقتی کسی به آدم زور بگوید احساس خشم کردن چیز کاملاً درستی است.
				۳۲ بیشتر وقت‌ها احساس بدبختی می‌کند یا بغض و گریه‌اش می‌گیرد و یا غمگین و ناراحت است.
				۳۳ بعضی وقت‌ها احساس می‌کند زندگی ارزشی ندارد.
				۳۴ شب‌ها خوب و راحت می‌خوابد و در طول شب هیچ بیدار نمی‌شود.
				۳۵ بیشتر وقت‌ها از خودش بدش می‌آید.
				۳۶ دوستان زیادی دارد.
				۳۷ بعضی وقت‌ها می‌ترسد عملی از خود او سر بزند که مادر یا پدرش را اذیت یا غمگین کند.
				۳۸ بیشتر وقت‌ها از وضعی که دارد خجالت می‌کشد.



کاملاً غلط	مطمئن نیستم	درست نمی دانم	کاملاً درست	
				۳۹ بیشتر وقتها احساس می کند سزاوار است تنبیه شود.
				۴۰ بیشتر وقتها احساس می کند هیچ کس او را درک نمی کند.
				۴۱ آدم خیلی شادی است.
				۴۲ بیشتر وقتها تکالیف مدرسه او را کلافه و عاجز می کند.
				۴۳ بیشتر وقتها نگران سلامتی (مادرش) است.
				۴۴ اوقاتش را با انجام کارهای خیلی جالبی با پدرش می گذراند.
				۴۵ هنگام دوری از خانه خیلی احساس خشنودی می کند.
				۴۶ بعضی وقتها از خودش حالش بهم می خورد چون مادرش یا پدرش را آن چنان که باید دوست ندارد.
				۴۷ احساس می کند مردم او را دوست دارند گرچه او شایستگی آن را ندارد.
				۴۸ بیشتر وقتها در مدرسه احساس خستگی می کند.
				۴۹ هیچ کس نمی داند که او چقدر غمگین و ناراحت است.
				۵۰ بعضی وقتها خواب می بیند که صدمه دیده یا کشته شده است.
				۵۱ بعضی وقتها نمی داند که چرا دلش می خواهد گریه کند.
				۵۲ بعضی وقتها به این فکر می افتد که نکند باطن آدم خیلی بدی باشد.
				۵۳ وقتی در مدرسه با شکستی روبرو می شود احساس می کند آدم لایق و به درد خوری نیست.
				۵۴ احساس می کند زندگی برایش مایه بدبختی است.
				۵۵ بعضی وقتها باورش می شود که کارهایی که انجام می دهد ممکن است مادر یا پدرش را مریض کند.
				۵۶ بیشتر وقتها احساس می کند وجودش فایده ای برای هیچ کس ندارد.
				۵۷ خیلی ها به او توجه زیادی دارند.
				۵۸ بیشتر وقتها احساس می کند به اندازه ای که دلش می خواهد خوب نیست.
				۵۹ بیشتر وقتها خیلی ناراحت است چون فرصت انجام دادن کارهایی را که دوست دارد پیدا نمی کند.
				۶۰ بیشتر وقتها به نظرش می رسد صدمه دیده یا کشته شده است.
				۶۱ بعضی وقتها از خودش بدش می آید چون نمی تواند نسبت به



کاملاً غلط	غلط	مطمئن نیستم	درست نمی‌دانم	کاملاً درست	
					مادر یا پدرش توجه یا علاقه‌ای نشان دهد که آنها نیازمند آن هستند.
					۶۲ بیشتر وقت‌ها احساس می‌کند که به جایی نخواهد رسید.
					۶۳ بعضی وقت‌ها احساس می‌کند که در درونش دو نفر هستند که هر کدام او را به سویی می‌کشند.
					۶۴ هنگام دوری از خانواده‌اش احساس تنهایی و بیهودگی می‌کند.
					۶۵ در بیشتر کارهایی که انجام می‌دهد موفق است.
					۶۶ احساس می‌کند آدم زیبا و قشنگی باشد.



نحوه اجرا: فردی

نمره‌دهی و تجزیه و تحلیل

در این تست ۴۸ ماده منفی و ۱۸ ماده مثبت که روی هم ۶۶ ماده می‌شوند، دو مجموع مواد جداگانه و مستقل را تشکیل می‌دهند که به شکل جداگانه نمره‌گذاری می‌شوند و دو نمره مثبت و منفی را بدست می‌دهند. نمره‌گذاری بر مبنای ۵ درجه‌ای انجام می‌گیرد. کاملاً غلط ۱، غلط ۲، نمی‌دانم ۳، درست ۴ و کاملاً درست ۵ می‌گیرد. جمع نمرات هر مقیاس فرعی و جمع کل نیز بدست می‌آید. تفاوت نمره کل با مجموع نمرات مقیاس‌های فرعی لذت (PE) و متفرقه لذت (MP) نمره کل افسردگی فرد را مشخص می‌کند. حداقل نمره ۶۶ و حداکثر نمره ۳۳۰ می‌باشد.

www.mhmm.net